



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۱-۰۲

جلسه پنجاهم؛ سه شنبه ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ (جلسه سیزدهم فقه خلق پول)

بررسی مسئله خلق پول بانکی

در مباحث گذشته اصل ماهیت خلق پول بانکی را به طور مفصّل و با رسم نمودار توضیح دادیم و این مطلب را هم تذکر دادیم که «خلق پول»، اختصاصی به بانکها ندارد، بلکه حتی یک نفر هم که دارای اعتبار و مکنت خاصی باشد، تحت شرایطی امکان خلق پول یا پول آفرینی به همان نحوی که بانکها پول آفرینی می کنند را دارد. و از آنچه گفتیم روشن شد محاذیری که بعضی ها گفته اند که خلق پول بانکی موجب کاهش ارزش پول دست مردم می شود یا موجب می شود که بانکها از هیچ، پول خلق کنند و امثال این محاذیر^۱، هیچ کدام به نحوی نیست که بالذات موجب حرمت خلق پول شود و همه این محاذیر در تولید پول فیزیکی هم وجود دارد. در پول فیزیکی هم وقتی کسی بتواند با هزینه کم آن را تولید کند، کأن از هیچ پول تولید کرده است. بله، در مورد خلق پول بانکی، از هیچ خلق کردن به حسب ظاهر آقوی است؛ چراکه حتی آن کاغذ را هم تولید نکرده است.

در حلّ قضیه هم گفتیم مهمّ آن است که آنچه فرد خلق می کند مالیت داشته باشد و از طریق حرام هم انجام نداده باشد، اما اینکه دلیل مالیتش چه باشد مهمّ نیست و به هر دلیلی اگر مالیت ایجاد شد، این آثار بر آن مترتب می شود. و حتی اگر فرض کنیم آن فرد بعض موارد را از طریق حرام انجام دهد، باز هم چون آن نیاز مبادله ای انسان و سایر آثار پول را محقق می کند، لذا مالیت دارد؛ کما اینکه اگر کسی آبی را از طریق

۱. البته اگر مقصودشان اشکال از جنبه شرعی باشد؛ یعنی از حیث حاقّ فقه آن هم در سطح غیر دولت و وظیفه آن نسبت به جامعه و مردم، معلوم شد هیچ کدام از این اشکالات وارد نیست. اما اگر مقصودشان اشکال از جنبه های دیگر باشد؛ مثلاً از جهت اینکه به مصلحت نیست و امثالها، این اشکالات به جای خود محفوظ است و به حسب مورد باید بررسی شود.

حرام تولید کند، آن آب اثر خودش را دارد و چون اثر خودش را دارد و از طرف دیگر ندرت داشته و مورد رغبت مردم هم هست، لذا مالیت دارد. بنابراین آن آب از هر طریقی تولید شود مالیت دارد؛ چه فرد آن را با زحمت فراوان و مثلاً با حفر چاه عمیق به دست آورده باشد، چه آب باران را جمع کرده یا از کنار چشمه یا نهری آب آورده باشد و چه از طریق حرام مانند ابزار مغضوب، دروغ و امثالهما آن آب را تولید کرده باشد. به هر حال با صرف نظر از جهت عصیان حکم شرعی که کار حرامی انجام داده و استحقاق عقاب دارد، از لحاظ وضعی مالک آن آب می باشد؛ چراکه حاصل کار خودش است، و لذا اگر آن آب را در بازار عرضه کند، دارای مالیت و قیمت است، هرچند مردم بدانند آن را از طریق حرام کسب کرده است و حتی بدهکار اجرة المثل استفاده از ابزار دیگری باشد.

و بلکه اگر فرضاً کسی از هیچ و با ورود و ذکر آب تولید کند، چون آنچه که تولید کرده آب است و خاصیت آب را دارد - مثلاً رافع تشنگی می باشد - و از طرف دیگر ندرت داشته و مورد رغبت مردم می باشد و نسبت به آن تقاضا وجود دارد، لذا مالیت دارد؛ فرقی هم نمی کند آن فرد ظالم، فاسق، فاجر و کافر باشد و یا هیچ کدام از اینها نباشد، به هر حال آن آب مالیت دارد.

پول هم این چنین است؛ یعنی حتی اگر آن فرد یا بانک از هیچ پول خلق کرده باشد، به هر حال آنچه خلق شده پول است و آثار پول را دارد؛ یعنی وسیله مبادله و ذخیره ارزش بوده و سایر آثار پول را هم دارد و لذا دارای ارزش است. و اینکه خلق پول موجب می شود ارزش پول های دست مردم پایین بیاید، موجب حرمت و عدم جواز ذاتی آن نمی شود، کما اینکه اگر خلق آب از هیچ در مقیاس وسیع باشد، هرچند موجب می شود قیمت آب هایی که از قبل در اختیار مردم بوده پایین بیاید؛ چون در فرض ثبات تقاضا، افزایش عرضه موجب کاهش قیمت می شود، منتها کاهش قیمت آب در اختیار مردم موجب نمی شود که خلق و تولید آب حرام باشد. و اینکه آب کالایی است که فایده آن رفع عطش است و پول چیزی است که وسیله مبادله است، تأثیری در جهت مورد بحث ندارد.

بنابراین خلق پول بانکی [با صرف نظر از اختیارات حاکمیت و قوانینی که معمولاً در تمام کشورها وجود دارد] مشکلی ندارد و [تمام آثار و احکامی] که برای پول فیزیکی بیان کردیم، در خلق پول بانکی هم جاری است و تنها فرقی که خلق پول بانکی با پول فیزیکی دارد این است که پول بانکی که خلق می شود فعلاً به حسب تحلیلی که داریم، در خارج موجود نیست - گرچه توجیهی می تواند داشته باشد که شاید بعداً متعرض شویم - برخلاف پول فیزیکی که در خارج موجود است؛ به این معنا که زیر چاپ رفته و متمثل در

اسکناس یا سکه شده است، اما پولی که در فرآیند پول‌آفرینی خلق می‌شود، در ذمه است و تمثّل خارجی ندارد هرچند تمام آثار پول فیزیکی را دارا می‌باشد؛ چراکه می‌دانیم حکم ذمه در این چیزها مثل عین است و فرقی با هم ندارند.

برای تقریب بیشتر این مطلب که پول آفرینی مشکلی ندارد، ابتدا این معنا را در مورد افراد توضیح می‌دهیم، و قبل از آن مناسب است مثالی برای روشن شدن این جهت که پول خود دارای ارزش است، ارائه دهیم. لذا می‌گوییم: ارزش پول در امروزه به مثابه اعتبار تجّار در قدیم است. گاهی فردی کالایی را [با زحمت فراوان و کیفیت خوب] تولید می‌کرد اما هنر فروش آن را در بازار نداشت؛ مثلاً کشاورزی گندم تولید کرده و نمی‌تواند آن را در بازار بفروشد و یا کالایی مانند سبزی یا بعض میوه‌های سردرختی تولید کرده که ماندگاری زیادی ندارند - خصوصاً در زمان قدیم که امکان نگه‌داری بلند مدت نبوده و نهایت ظرف چند روز فاسد می‌شدند - اما تولید کننده نمی‌تواند یا توان فروش آن حجم از محصولات را ندارد. در این صورت معمولاً چنین بوده که تولیدکننده‌ها، محصولات خود را به تجّار و بازاریانی که هنر فروش محصولات را داشتند، می‌فروختند و به آنها می‌گفتند هر وقت این محصولات را فروختی پول من را بده یا تا فلان مدت پولش را بده. اما در همین شرایط اگر فرد عادی به تولیدکننده‌ها مراجعه می‌کرد و می‌گفت محصولاتتان را در اختیار من بگذارید تا بفروشم و پولش را تدریجی پرداخت کنم، معمولاً به چنین فردی اعتماد نمی‌کردند.

بنابراین تولیدکننده‌ها معمولاً به تجّار اعتماد می‌کردند، هرچند آن تاجر در آن زمان به اندازه ثمن آن اجناس پول نداشت و پول‌هایش جاهای متفرقه بود. وجه این اعتماد هم آن است که ذمه آن تاجر محکم و دارای اعتبار است. پول‌های امروزی هم این چنین هستند و با شرایط قانونی و روش‌های عملی که وجود دارد، خود این پول‌ها اعتبار پیدا کرده‌اند. لذا هر کشوری که دارای اعتبار و قدرت بیشتری باشد، مردم نیز اعتماد بیشتری به پول آن دارند و تقاضای بیشتری برای مبادله یا ذخیره پول آنها برای حفظ ارزش اموال وجود دارد و آن کشورها نیز از این طریق، درآمد هنگفتی کسب می‌کنند بدون اینکه گرفتار عوارض تورمی شوند؛ زیرا پول آنها را همه دنیا جمع می‌کنند و آنها هم پول را مجانی نمی‌دهند بلکه در مقابل دریافت کالا و خدمات می‌دهند، در حالی که خودشان آن پول‌ها را چاپ کرده‌اند. لذا صادرکننده پول [تقریباً] بدون اینکه هیچ کاری کرده باشد، آن کالاها و خدمات را به دست آورده است. وجهش هم آن است که پول آنها قدرت و اعتبار دارد؛ نظیر همان تاجری که گفتیم ذمه‌اش قدرت و اعتبار دارد.

بعد از اینکه این مطلب روشن شد، به مسئله خلق پول برمی‌گردیم و ابتدا خلق پول توسط افراد را در قالب مثال توضیح می‌دهیم. در همان مثال قبل که تاجری در محیط محدودی دارای قدرت و اعتبار بوده و ذمه قوی‌ای داشته باشد، فرض کنید آن تاجر به مردم در رفتاری‌ها و مراسمات کمک می‌کند و اگر پول نقد داشت به آنها قرض نقدی می‌دهد و اگر پول نقد نداشت ذمه‌اش را گرو می‌گذارد؛ مثلاً عید سعید غدیر نزدیک است و عده‌ای می‌خواهند ازدواج کنند و نیاز به جهیزیه دارند. آن تاجر به ده نفر از آنها پول قرض می‌دهد تا جهیزیه خریداری کنند و بعداً هر وقت داشتند قرض‌شان را پس بدهند. به برخی دیگر هم به جهت اینکه پول نقد ندارد یا به هر جهت دیگری، برگه حواله و یا ضمانت می‌دهد و می‌گوید بازاریان حواله یا ضمانت من را قبول دارند و نزد آنها بروید و خرید قسطی کنید و آنها را با این برگه حواله یا ضمانت نامه به من ارجاع دهید.

در این مثال اگر فرضاً همه این افراد بخواهند یخچال بخرند، آن ده نفری که در مقابل یخچال پول نقد می‌دهند، روشن است که آن مقدار پول از حجم پول در گردش کاسته شده و تبدیل به یخچال می‌شود. اما نسبت به آن تعدادی که حواله دارند و خرید قسطی می‌کنند و پولش را به آن تاجر حواله می‌دهند یا او را ضامن خود قرار داده‌اند، در حقیقت خلق پول اتفاق افتاده است؛ چراکه آنها بدون پول فیزیکی و فقط با پولی که در ذمه است خرید کرده‌اند. در این فرض اگر عرضه یخچال ثابت باشد و تقاضا به واسطه این حواله‌ها و ضمانت‌ها افزایش پیدا کند، نتیجه‌اش آن است که قیمت یخچال در بازار بالا می‌رود. البته این تورم، تورم بخشی و مثلاً مربوط به یخچال است.

حال اگر فرض کنید تعداد زیادی تاجر باشند که در سطح کالاهای متفاوت این چنین ذمه خود را گرو بگذارند و وسیله پرداخت غیر از پول فیزیکی بیشتر شود، نتیجه‌اش این است که تقاضای کالاها بدون اینکه به همان اندازه پول فیزیکی وجود داشته باشد بالا می‌رود. و وقتی تقاضا بالا رفت لامحاله تورم عمومی پیدا می‌شود. حال آیا می‌توان گفت کار آن تاجر یا تجار حرام است؛ چون از هیچ برای این افراد یخچال و سایر کالاها را خریده‌اند و موجب تورم عمومی و کاهش ارزش پول شده‌اند؟! معلوم است که نمی‌توان گفت کار آنها حرام است و وجهی برای آن وجود ندارد.

إن قلت: به هر حال افرادی که حواله آن تاجر یا تاجرها را قبول کرده‌اند، در نهایت به آنها مراجعه می‌کنند و پول فیزیکی دریافت می‌کنند. بنابراین برگشت این فرآیند در نهایت به پول فیزیکی می‌شود.

قلت: اولاً: قبول داریم که در دراز مدت یا بلند مدت معمولی، متوسط پول برمی‌گردد، متنها در این

فاصله به هر حال این اتفاق افتاده و عرضه پول بیشتر شده و قیمت کالاها هم افزایش یافته است. لامحاله آن تاجر یا تاجرها در این مدت توانسته‌اند از هیچ، پول خلق کنند هرچند در آینده بناست که جبران شود. لامحاله اگر این کار حرام باشد، باید در آن مقطع مرتکب حرام شده باشند، در حالی که چنین نیست. علاوه آنکه اگر این کار به خاطر اضرار و نظیر آن حرام باشد، صرف اینکه بناست بعداً جبران شود، مجوز ایراد ضرر به دیگران نمی‌شود.

ثانیاً: فرض کنید چند تاجر هستند که این گونه حواله‌ها را به نحو مرتب انجام می‌دهند و اصلاً پایانی ندارد؛ مثلاً پنجاه سال این کار را مرتب انجام می‌دهند و بعد از اینکه فوت کردند یا از دور خارج شدند، افراد دیگر جای آنها را می‌گیرند و این روند همچنان ادامه پیدا می‌کند و هیچ پایانی ندارد. لذا می‌توان فرض کرد که این روند به نحو مستمر ادامه دارد و تجار در دوره‌های متوالی آن را انجام می‌دهند بدون اینکه پایانی داشته باشد.

تمام این فرآیند را می‌توان [به نحو بسیار گسترده‌تر] در بانک‌ها فرض کرد، با این تفاوت که در آنجا افراد، شخصیت حقیقی بودند و در اینجا بانک شخصیت حقوقی است.

روش‌های عملیاتی کردن تسهیلات بانکی

تسهیلاتی که بانک به افراد می‌دهد طبق ضوابط خاصی است، البته در آنجا هم تجار درآمد و ثروت خود را محاسبه می‌کردند که آیا از پس چنین کاری برمی‌آیند یا خیر، منتها بانک‌ها علاوه بر محاسبات شخصی و منافع خودشان، یک سری قوانین و مقررات را هم باید رعایت کنند. به هر حال وقتی کسی پول خود را در بانک می‌گذارد، هرچند خودش هم حق استفاده از آن پول را دارد اما بانک می‌تواند به‌ازاء آن پول به دیگران قرض بدهد که قبلاً روش آن را توضیح دادیم. به هر حال وقتی بانک به آقای زید مثلاً تسهیلات پنجاه میلیونی می‌دهد، عملیاتی کردن این تسهیلات ممکن است در قالب‌های مختلف باشد.

الف: عملیاتی کردن تسهیلات بانکی از طریق حواله

یکی از این قالب‌ها حواله است که به زبان ساده به این معناست که بانک دسته چکی به وام‌گیرنده می‌دهد و می‌گوید وقتی برای خودت خرید کردی، پولش را حواله به بانک بده؛ نظیر همان حواله‌ای که تاجر نوشته بود و افراد با آن خرید قسطی می‌کردند و فروشنده را به آن تاجر حواله می‌دادند. پس در واقع تسهیلاتی که بانک‌ها می‌دهند، می‌تواند در قالب حواله باشد و حتی اگر مشتری که می‌خواهد تسهیلات را از بانک بگیرد هیچ پولی نزد بانک نداشته باشد، باز هم حقیقت آن حواله است منتها حواله بر بریء؛ یعنی

محالّ علیه یا همان بانک، هرچند نسبت به این شخص بریء الذمه بوده، اما می‌پذیرد که خواهان تسهیلات، کالاهای مورد نظر خود را بخرد و فروشنده را به بانک حواله دهد.

اما اینکه افراد بعداً این حواله‌ها را به بانک برمی‌گردانند، چند حالت ممکن است اتفاق بیفتد. یک موقع حواله را برمی‌گردانند و می‌خواهند پول نقد بگیرند، در این صورت برگشت آن حواله‌ها در نهایت به پول نقد است. [اما اگر آن حواله‌ها را به بانک برگردانند و پول نقد نگیرند بلکه پول به حساب آن فرد واریز شود، بانک دوباره می‌تواند همین فرآیند خلق پول را تکرار کند. همچنین فروشنده ممکن است آن حواله را در مقابل خرید کالا یا خدمات مورد نیاز، به شخص دیگری بدهد و آن شخص نیز به دیگری واگذار کند و هکذا که در این صورت تمامی حواله‌ها می‌شود که مانعی ندارد].

به این نکته هم باید توجه داشت که بانک پول‌هایی که از مردم می‌گیرد، به عنوان قرض است و حقیقت آن «تملیک بالضمّان» است و اگر خیلی کوتاه بیایم می‌گوییم لحظه اول ودیعه است منتها با اجازه اینکه آن را تبدیل به قرض کند. لذا وقتی بانک به کسی قرض می‌دهد، از پول خودش قرض می‌دهد نه اینکه پول دیگران را قرض بدهد. بله، در این حالت اگر همه کسانی که به بانک حواله داده شده‌اند با هم مراجعه کنند، ممکن است برای بانک مشکل ایجاد شود و به آن اندازه پول نقد نداشته باشد، منتها بانک‌ها برای این مشکل هم چاره‌جویی کرده‌اند و ذخیره احتیاطی، استقراض از بانک مرکزی و بعضی ابزارهای دیگری که وجود دارد برای حلّ این مشکل است.

بنابراین وقتی صاحب حواله به بانک مراجعه می‌کند، بانک پول شخص دیگری را به او نمی‌دهد بلکه از پول‌های خودش به آن شخص می‌پردازد. بله، اگر تمام پول‌هایی که نزد بانک است به عنوان ودیعه بود و اجازه تصرف هم نداشت، در این صورت تصرف بانک در آن پول‌ها و پرداخت به صاحبان حواله حرام بود، منتها گذشت که حقیقت آن قرض است و بانک مالک آن پول‌ها می‌شود.

خلاصه اینکه خلق پول بانکی با صرف نظر از قانون و وظیفه دولت و با صرف نظر از انطباق عناوین حرام دیگر مانند غش، تقلب، دروغ، اخلال در نظام و امثالهم، فی نفسه محذور شرعی ندارد؛ زیرا معنای خلق پول این است که یک شخصیت حقیقی یا حقوقی، چیزی را به ذمه خود بگیرد. البته این نکته را حتماً باید توجه داشت که اگر عملیاتی کردن تسهیلات بانکی در قالب حواله و ضمان باشد، باید احکام حواله و ضمان را رعایت کرد. در آن مثالی که ساده‌سازی کردیم که بانک دسته چک به طرف مقابل می‌دهد، حواله بودن آن روشن است. در آنجایی هم که بانک برای تسهیلات‌گیرنده حساب باز می‌کند و فرضاً پنجاه میلیون

پول برای او می‌ریزد و او هم پول را به حساب فروشنده یا جای دیگر واریز می‌کند، آنجا هم می‌تواند به صورت حواله باشد، هرچند تصویر آن نیاز به توضیح بیشتری دارد که بعداً به آن می‌پردازیم ان شاء الله. به هر حال روشن می‌شود آنچه که به عنوان محذور در اینجا ذکر می‌کنند که از هیچ، خلق پول می‌شود یا موجب تورّم می‌شود یا در نهایت حقوق مردم ضایع می‌شود، به آن معنایی که از لحاظ شرعی مشکل داشته باشد در هیچ کدام از اینها وجود ندارد.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی

منابع یابی: فرید قیاسی